

نظریه‌های اقتصادی و حقوق

Economic Theories and Law

در این مدخل از نظریه‌های اقتصاد خرد و اقتصاد رفاه استفاده می‌شود تا حقوق قراردادها، حقوق مسئولیت مدنی و حقوق جزائی از منظر اقتصادی مورد تحلیل و واکاوی قرار گیرند. به‌طور خاص، سعی می‌شود تا یک تئوری اقتصادی در مورد ضرورت وجود هریک از این زیرشاخه‌های حقوقی و ارتباط آن‌ها با کارایی اقتصادی ارائه شود.

تحلیل اقتصادی قرارداد (Economic Analysis of Contract)

مبادله داوطلبانه یکی از کلیدواژه‌های علم اقتصاد و یکی از حیاتی‌ترین فعالیت‌های صورت‌گرفته به‌وسیله عاملین اقتصادی است. هر مبادله داوطلبانه‌ای را می‌توان بسان یک بازی همکارانه برد-برد تلقی کرد که طرفین مبادله از انجام آن منتفع می‌شوند. البته انجام هر مبادله‌ای مستلزم صرف زمان و انرژی و سایر منابع کمیاب است که به مجموعه آن‌ها «هزینه‌های مبادلاتی» گفته می‌شود. حقوق به‌عنوان مهم‌ترین نهاد رسمی (Formal Institution) به‌طور عام و حقوق قراردادها به‌طور خاص با کاهش هزینه‌های مبادلاتی به‌دنبال فراهم کردن بستر لازم برای انجام مبادلات بیشتر توسط عاملین اقتصادی است.

هزینه‌های مربوط به اعمال و اجرای مبادله یکی از مهم‌ترین اجزای هزینه‌های مبادلاتی است که البته در مورد مبادلاتی موضوعیت دارد که انجام و تکمیل آن مستلزم صرف و گذشت زمان است. در صورت نبود ضمانت کافی در مورد اجرای تعهدات طرفین مبادله (که انجام آن‌ها مستلزم مرور زمان است)، افراد و بنگاه‌ها دیگر تمایلی جهت انجام مبادله نخواهند داشت. مهم‌ترین کارکرد حقوق قراردادها ایجاد ضمانت‌های کافی برای اجرای تعهدات طرفین مبادله است (Cooter & Ulen, 2012). در صورت

نبود این ضمانت اجراها، مبادله تبدیل به یک بازی برد- باخت به نفع یکی از طرفین مبادله و به ضرر طرف دیگر خواهد بود. در این حالت، صرفاً یک بازتوزیع منابع در اقتصاد صورت گرفته است و خلق ثروت یا اضافه رفاهی که نتیجه یک مبادله است از میان خواهد رفت. فارغ از توزیع اضافه رفاه ایجادشده، خلق این اضافه رفاه به‌منزله افزایش کارایی خواهد بود.

افزون‌براین، به‌دلیل نبود تقارن اطلاعات (Information Asymmetry) در بسیاری از مبادلات به‌عنوان مانعی بالقوه بر سر شکل‌گیری مبادله، یکی دیگر از کارکردهای قابل تصور برای حقوق قراردادها ایجاد انگیزه کافی برای طرفین یک مبادله به افشای بهینه اطلاعات و در نتیجه انجام مبادله مذکور است. حتی در مواردی که یکی از طرفین مبادله یا هر دوی آن‌ها اقدام به افشای اطلاعات خود نکنند یا اطلاعاتی ناقص نسبت به موضوع قرارداد داشته باشند، حقوق قراردادها با حمایت از یکی از طرفین قرارداد مانع از شکل‌گیری بازی برد-باخت خواهد شد. به‌این‌ترتیب، ریسک ناشی از اطلاعات نامتقارن نیز با معرفی حقوق قراردادها و تعبیه ضمانت اجراهای لازم پوشش داده می‌شود. ضمانت اجرای پیش‌بینی‌شده در حقوق قراردادها با هدف تحقق کارایی بالاتر، بسته به ماهیت قرارداد، الزام به جبران خسارت یا اجبار به انجام عین تعهد در صورت نقض اجرای قرارداد (Breach) به‌وسیله یکی از طرفین قراردادی است.

تحلیل اقتصادی مسئولیت مدنی (Economic Analysis of Torts)

مسئولیت مدنی عاملین اقتصادی (افراد، بنگاه‌ها، دولت و مانند آن) دامنه‌ای از فعالیت‌هایی را در بر می‌گیرد که در اثر اقدام غیرعامدانه آن‌ها آسیب یا خسارتی متوجه سایرین می‌شود. برای نمونه، انواع حوادث در دامنه مسئولیت‌های مدنی قرار می‌گیرند. بخشی از صنعت بیمه مربوط به پوشش

ریسک فعالیت‌هایی است که ممکن است برای عاملین اقتصادی ایجاد مسئولیت مدنی کند. از منظر اقتصادی هر حادثه‌ای را می‌توان بسان یک مبادله غیردوطلبانه دانست که هیچ‌یک از طرفین مبادله از انجام آن خوشایند نخواهند بود. اما طرفی که با اهمال و غفلت (Negligence) خود موجبات این مبادله را فراهم آورده است طبق حقوق مسئولیت مدنی ملزم به جبران خسارت طرف مقابل خواهد بود. از لحاظ نظری، این جبران خسارت باید به گونه‌ای باشد که طرف آسیب‌دیده را از نظر رفاهی به قبل از وقوع حادثه بازگرداند، آنچنان‌که گویی حادثه‌ای رخ نداده است (Cooter & Ulen, 2012). اما در عمل، این امر با محدودیت‌های بسیاری از جمله برآورد دقیق خسارت وارده روبه‌رو است. تحلیل اقتصادی مسئولیت مدنی در یک سطح به دنبال توجیه وجود و ضرورت این زیرشاخه از حقوق است و در سطحی دیگر و پس از پذیرفتن ضرورت وجود آن، به دنبال شکلی از این حقوق است که بالاترین سطح از کارایی را فراهم آورد.

وجود حقوق مسئولیت مدنی برای عاملین اقتصادی بستری را فراهم می‌آورد تا سطح فعالیت‌های خود (مبادلات داوطلبانه) را افزایش دهند بدون آنکه نگران جبران نشدن خسارات وارده ناشی از مبادلات غیردوطلبانه (حوادث) باشند. در واقع، نگرانی ناشی از جبران نشدن خسارت در صورت وقوع حادثه در جریان فعالیت‌های عادی روزمره ساختاری انگیزشی ایجاد می‌کند که افراد تصمیم بگیرند کمتر به این دست از فعالیت‌ها بپردازند که منجر به ناکارایی (کوچک شدن اندازه کیک اقتصاد) می‌شود. بنابراین، وجود حقوق مسئولیت مدنی با افزایش کارایی همراه است. این امر که چرا نمی‌توان از داریی‌ها و تمامیت جسمی افراد در مقابل حوادث به حقوق قراردادهای توسل جست ناشی از هزینه‌های مبادلاتی بسیار بالای به‌کارگیری حقوق قراردادهای در این زمینه است که عملاً این امر را محال کرده است.

پس از پذیرفتن ضرورت وجود حقوق مسئولیت مدنی، پرسش اساسی دیگر آن است که توزیع ریسک و مسئولیت چگونه باشد تا منجر به حداکثر کارایی شود. در واقع، توزیع ریسک و مسئولیت می‌تواند بر رفتار احتیاطی عاملین اقتصادی و در نتیجه وقوع حادثه مؤثر باشد. به‌طور مشخص منظور از کارایی در اینجا حداقل کردن هزینه‌های اجتماعی حوادث است که شامل هزینه‌های ناشی از احتیاط توسط عاملین اقتصادی نیز می‌شود. از منظر کارایی و با توجه به هزینه‌بر بودن فرآیند احتیاط، مسئولیت باید بر عهده کسی باشد که با کمترین هزینه می‌تواند مانع از وقوع حادثه شود (Least-Cost Avoider). به این ترتیب، در برخی موارد مسئولیت محض (Strict Liability) برای طرفی که با حداقل هزینه می‌تواند مانع از بروز حادثه شود با افزایش کارایی همراه خواهد بود. در مواردی که طرفین حادثه از نظر هزینه‌ای در وضعیت یکسانی قرار دارند، توزیع مسئولیت بر اساس اهمال و تقصیر است که می‌تواند منجر به کارایی شود. در این حالت افراد تشویق می‌شوند تا رفتار احتیاطی بهینه در پیش گیرند (Shafer & Muller, 2009).

تحلیل اقتصادی جرم (Economic Analysis of Crime)

جرم از جمله مهم‌ترین انتخاب‌های غیربازاری است که از اواخر دهه ۱۹۶۰ میلادی و با انتشار مقاله معروف گری بکر توجه اقتصاددانان را به خود معطوف ساخته است. از منظر اقتصادی جرم را می‌توان به مثابه یک مبادله اجباری دانست که یک طرف آن عامدانه و طرف دیگر آن برخلاف میل خود وارد آن شده است. در واقع، مرز میان جرم و مسئولیت مدنی همین قصد و اراده است. در مسئولیت مدنی هیچ‌یک از طرفین قصد مبادله را نداشته‌اند ولی در جرم یکی از طرفین با قصد و اراده قبلی وارد این مبادله شده است. از

نظریه‌های اقتصادی و حقوق

در واقع همان کشش عرضه جرم نسبت به آن ابزار است. کارایی ایجاب می‌کند که از ابزاری استفاده شود که افزون‌بر اینکه هزینه کمتری دارد، بازدارندگی بیشتری نیز داشته باشد (که به معنای بیشتر بودن کشش عرضه جرم نسبت به آن ابزار است) (Dills & Miron, 2010). برآورد هزینه‌های به‌کارگیری این ابزار و کشش‌های مذکور در کنار بررسی سایر عوامل اقتصادی-اجتماعی مؤثر بر رفتار مجرمانه در حیطه مطالعات تجربی جرم و مجازات قرار می‌گیرد که ادبیات گسترده‌ای را در اقتصاد جرم در طول پنجاه سال گذشته به خود اختصاص داده است.

کتاب‌شناسی

- Becker, G. (1968). "Crime and Punishment: An Economic Approach", *Journal of Political Economy* 76 (2): 169-217.
- Angela K. Dills & Jeffrey A. Miron (2010). *What Do Economists Know About Crime? Chapter in The Economics of Crime: Lessons For and From Latin America*, edited by Di Tella and et al (2010), Chicago University Press.
- Cooter, R. & Ulen, T. (2012). *Law and Economics*, 6th edition, Pearson Publication Press.
- Hans-Bernd Schäfer and Frank Müller-Langer (2009). *Strict liability versus negligence, chapter in Tort Law and Economics. Encyclopedia of Law and Economics*, 2nd edition, Edited by Faure (2009), Edward Elgar.
- Shavell, Steven (2006), *Specific Performance versus Damages for Breach of Contract: An Economic Analysis*, 84 Tex, L. Rev (2005-2006).

مجتبی قاسمی

حقوق اقتصادی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی

منظر اقتصادی جرم‌انگاری برخی از اعمال و تعیین مجازات برای آن‌ها جلوگیری از وقوع همین مبادلات اجباری است. تحلیل اقتصادی جرم و مجازات دارای دو سطح متفاوت است. در سطح خرد، با کمک نظریه انتخاب عقلایی، مجرمین نیز افرادی عقلایی فرض می‌شوند که به ساختار انگیزشی ناشی از قوانین جزایی و برخورد دستگاه قضایی با جرم پاسخ می‌دهند. به عبارت دقیق‌تر، مجرمین بالقوه با فرض ثبات سایر شرایط به قطعیت (Certainty) و شدت (Severity) مجازات پاسخ می‌دهند. فرض بر این است که افزایش در شدت و قطعیت مجازات منجر به کاهش رفتار مجرمانه و عرضه جرم در جامعه خواهد شد. تحلیل صورت‌گرفته در سطح کلان نیز با فرض وجود رفتار عقلایی، هدف از وضع قوانین جزایی و برخورد دستگاه قضایی با جرم، حداقل کردن هزینه‌های اجتماعی ناشی از آن در نظر گرفته می‌شود. هزینه‌هایی که خود متشکل از زیان خالص ناشی از جرم، هزینه‌های دستگاه قضایی در تعقیب و محکومیت مجرمین و در نهایت هزینه‌های مرتبط با اجرای مجازات است که میزان آن خود بستگی به نوع مجازات دارد. (Becker, 1968)

دستگاه قضایی در برخورد با جرم می‌تواند از دو ابزار شدت و قطعیت مجازات استفاده کند که هر یک از آن‌ها هزینه‌هایی را بر جامعه تحمیل خواهد کرد. توجیه این هزینه‌ها نیز از منظر اقتصادی (به‌طور دقیق‌تر از منظر مطلوبیت‌گرایان) ایجاد بازدارندگی (Deterrence) در مجرمین بالقوه و یا ناتوان‌سازی (Incapacitation) مجرمین و در نتیجه کاهش وقوع جرم در جامعه است که در نتیجه منجر به کاهش زیان خالص ناشی از آن خواهد شد. با توجه به کمیابی منابع، در به‌کارگیری ابزارهای مذکور توجه به چند نکته ضروری است. اول آنکه هزینه به‌کارگیری آن ابزار چه میزان خواهد بود و دوم آنکه مجرمین بالقوه چگونه به انگیزش ناشی از به‌کارگیری آن ابزار پاسخ خواهند داد که